

یگانه دختر پیامبر اسلام (ص)، حضرت زهرا(س) است؛ دختری که صاحب اوصاف و کمالات مختلفی است که از پیامبر خدا(ص) در مورد ایشان نقل شده است. اما بعد از پیامبر، دخترشان یک مبارزه سیاسی را آغاز کردند. اشک های بی‌امان فاطمه، رفتار و سخنان ایشان درباره مسئله فدک و دعایشان برای اینکه خداوند مرگشان را برساند، باید درمیان همین مبارزه تحلیل شود. اما حضرت زهرا(س) آخرین نثری که در ترکش قیام خود داشتند و آن را به عنوان یک مبارزه جاوید به‌کار بردند. جریان ناپدید ماندن مدفن و قبر ایشان است. این ناپدید ی بقیعه و قبر حضرت فاطمه(س)، پس از سالیان دراز، حیثیت دشمنان حضرت را در میدان افکار و عقول بشر، همچنان مغلوب و منکوب می‌کند. هرگاه محکمه‌ای فکری راجع به بررسی اوضاع اولیه مسلمین و جریان انحراف خلافت از آنچه پیغمبر(ص) معین کرده بودتشکیل شود، ناپدید بودن و داذگاه، از ظلم و ستم غاصبان خلافت، مظلومیت فاطمه(س) را داد خواهی می‌کند و اگر این جریان نبود، شاید دستگاه حکومتی ماجرای مظلومیت زهرا(س) را می‌توانست لوٹ کند اما ناپدید ی قبر زهرا(س)، هیچ فرصتی برای آن‌ها در اجرای این نقشه باقی نگذارد و لذا ائمه هدی^(ع) هم از این راز پرده برنداشتند و با اینکه شاید محل قبر مادر خود، حضرت فاطمه(س) را می‌دانستند، در عین حال اظهار ی نفرومودند؛ برای اینکه مبارزه زنده این بانوی قهرمان و یکه‌تاز میدان سیاست و بیکار، همچنان جاوید بماند تا روزی که دلاور فرزند برومندشان به‌عنوان یک دست غیبی آسمانی از آستین غیب به‌در آید و از مادر شهیدشان داد خواهی کند.

وقتی از امام رضا^(ع) درباره شیخین (ابوبکر و عمر) سؤال می‌شود، می‌فرمایند: «ما یک مادر نیکوکار داشتیم که وقتی از دنیا رفت، از آنان خشمگین بود. ماضی نمی‌شویم تا او از آنان راضی شود». زمانی که حضرت زهرا(س) از دنیا رفتند، مردم سراسیمه به خانه حضرت آمدند و منتظر بیرون آمدن جنازه بودند که حضرت علی^(ع) به ابودر فرمودند: «برو و با صدای بلند اعلام کن که برگردند؛ زیرا تشییع جنازه دختر رسول خدا امشب برگزار نمی‌شود و به تأخیر افتاده است».

مردم که متفرق شدند، حضرت علی^(ع) با کمک اسما، بدن حضرت را غسل و کفن کردند و در نیمه‌شب با عده‌ای از نزدیکان و یاران خویش که عبارت بودند از سلمان، ابودر، مقداد، عمار و چند تن دیگر، جنازه دختر رسول خدا^(ص) را شبانه تشییع کردند و شبانه به خاک سپردند و حضرت علی^(ع) قبر حضرت فاطمه^(س) را هم سطح زمین کردند و حتی روایت شده است در چند نقطه در بقیع، قبر درست کردند تا دشمنان متوجه نشوند که قبر حضرت فاطمه(س) کدام یک است و این راز مخفی ماندن قبر فاطمه(س) برای همیشه مانده است و کسانی هم که حضور داشتند، بعدا محل اختفای قبر فاطمه(س) را بیان نکردند.

مرحوم «صاحب مدارک» درباره مخفی بودن قبر حضرت فاطمه(س) می‌گوید: «إِنَّ سَبَبَ خَفَاءِ قَبْرِهَا» ما «وَاهِ الْمُخَالِفِ وَالْمُؤَلِّفِ مِنْ أَهْلِهَا» أَوْضَحَ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ^(ع) أَنَّ يَدَ قَتْلِهَا لَيْلًا لَيُضِلِّي عَلَيْهِ مِنْ أَذَاهَا وَ مَعَهَا مِيرَاثُهَا مِنْ أَبِيهَا؛ علت مخفی بودن محل دفن فاطمه(س) آن‌گونه که مخالف و موافق نقل کرده‌اند، این است که آن حضرت به امیرمؤمنان^(ع) سفارش کردند ایشان را شبانه دفن کنند تا آنان که او را

ادیت کرده و از اثر پدرشان محروم کرده بودند، بروی نماز نخوانند.

آری راز مخفی ماندن قبر دختر پیامبر(ص)، مبارزه سیاسی ایشان با شورای سقیفه بود، با کسانی بود که حق امیرالمؤمنین^(ع) را غصب کردند و این سؤال تا همیشه تاریخ، حق خواهان و حقیقت طلبان را به‌سوی امیرالمؤمنین^(ع) رهنمون می‌سازد.

برگرفته از خطبه‌های نماز جمعه مشهد تنظیم: حجت‌الاسلام والمسلمین حسین ابراهیمی

بردار
و بخوان

پرتوهای درخشان

در میان ادعیه واذکاری که ما مسلمانان با آن‌ها مانوس هستیم، بعضی متون از خود ائمه اطهار^(ع) برای ما به جای مانده‌اند. زیارت جامعه کبیره نیز یکی از این موارد است. زیارت جامعه که دارای مضامین بسیار عالی است و از زبان امام هادی^(ع) و در پاسخ به خواسته یکی از ارادتمندان اهل بیت^(ع) صادر شده، اگرچه به شیوه خطابی و گفتاری است، در حقیقت بیانگر مقام والای امامت است که از طرف امام معصوم^(ع) بیان شده است. این زیارت را شیخ طوسی در تهذیب و صدوق در فقه و عیون اخبارالرضا به سند خود از شخصی به نام نخعی نقل کرده‌اند که گفت: به علی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن علی بن ابیطالب^(ع) عرض کردم: ای فرزند رسول خدا، مراگفتاری پیاموز که هر وقت خواستم هریک از شما را زیارت کنم، همان سخن را در محضرش بگویم.

امام هادی^(ع) در پاسخ وی فرمودند: «هر زمانی که به آستان (امامی) رسیدی در آنجا بایست و شهادتین را در حال غسل و طهارت بر زبان جاری کن. وقتی نگاهت به قبر افتاد، نخست سی مرتبه ا... اکبر بگو و چند قدم راه برو، البته با کمال وقار و آرامش بسیار گام‌های خود را کوتاه بردار و بار دیگر بایست و سی مرتبه تکبیر را بر زبان جاری کن. سپس نزدیک قبر شو و این بار چهل مرتبه تکبیر بگو تا یکصد مرتبه کامل شود. آن‌گاه او را با جملات زیر زیارت کن...».

ویژگی این زیارت آن است که امام ما را با آداب سخن گفتن با امام آشنا می‌کند که با سلام و درود بر آن امام شروع می‌شود و پس از برشمردن برخی مناقب و اوصاف او، با جمله «و رحمت... برگانه» به پایان می‌رسد.

در این ارادت‌نامه، امام به رابطه امامان با خداوند اشاره کرده و به جایگاه خدا در نظر امامان معصوم^(ع) پرداخته است.

- امام به عملکرد معصومین^(ع) در برابر دین خدا و اجرای تعهد و میثاقی که داشته‌اند، اشاره می‌کند.

- بیان دیگر امام هادی^(ع) این است که حق، همراه امامان است و هرگز از آنان جداشدنی نیست و هرکه از آنان دور شود، گمراه خواهد شد.

- امام با اشاره به جایگاه رفیع امامان^(ع) در اسلام و مسلمانان، تصریح می‌کند که آنان شاهراه و راه راست و گواهان در دین و آن امانتی هستند که حفظش بر مردم واجب است.

- در این زیارت امام^(ع) با بیان شیرین به ما تعلیم می‌دهد که در محضر ائمه به فضل و رتبه و مقام رفیع و حق عظیمشان اعتراف کنیم.

- براساس مضمون این زیارت ماباید آماجگی خود را برای دفاع از امامان نشان دهیم.

- امام در این زیارت به‌نکته بسیار مهمی اشاره می‌کندوان اینکه تمام اعمال به‌پیروی از امامان مقبول می‌افتد و ده‌ها نکته دیگر که هر خواننده را به حیرت وامی‌دارد. کتاب پرتوهای درخشان، ترجمه کتاب الأنوار الأساطعه فی شرح الزیارة الجامعة است. این اثر تألیف مرحوم آیت... شیخ جواد کرلایی و شرح زیارت جامعه کبیره است. مرحوم آیت... کرلایی از مجتهدان پرورش یافته خود کر بلا، نجف و قم و از شاگردان حضرات آیات بروجردی، خوئی، گلپایگانی، سید محمود شیرازی، سید عبدالهادی شیرازی و شیخ حسین حلی بود و در تهذیب نفس و سلوک از محضر سید علی قاضی و جمال السالکین آقا جمال گلپایگانی بهره برد.

مؤلف ابتداء در «رساله الولایه» به بحث‌های اخلاقی و چگونگی سیر و سلوک می‌پردازد. سپس با استناد به آیات قرآن و روایاتی که از کتب معتبر شیعی نقل می‌کند، مقام ولایی معصومین را تبیین می‌نماید.

او در شرح فقرات زیارت جامعه به مباحث لغوی، صرفی، نحوی، فقهی، کلامی، فلسفی، اخلاقی و عرفانی نیز اهتمام دارد و مباحث کلامی شیعی مانند توحید، نبوت امامت، بدء، جبر و تفویض علم غیب امامان، معاد جسمانی، لزوم عصمت انبیا و امامان و... را نیز توضیح می‌دهد.

شکر

۲۳ شنبه
۱۳۳۳ هجری قمری
۱۶ مهرماه ۱۳۳۳
شماره ۴۴۴

۱۴



شهر

چند توصیه اقتصادی برگرفته از سیره امام محمد باقر^(ع)

کار و تلاش برای سعادت خلق و رضایت خدا

حمیده ذاکری، طبیعی است که بسیاری از ما تصور کنیم زندگی ائمه اطهار^(ع) به‌عنوان پیشوایان دینی، سراسر موعظه و درس و بحث بوده و نشانی از تلاش مالی و زندگی اقتصادی در دوران حیات آن‌ها وجود نداشته است، در حالی‌که این بزرگواران در طول حیات خود برای تأمین معیشت خانواده و همچنین کمک به شیعیان و آبادانی شهری که در آن زندگی می‌کردند، به کار و کوشش می‌پرداختند و تلاش اقتصادی برای تأمین معیشت را لازم و عملی متعالی دانسته. به بارانشان نیز توصیه می‌کردند. در این میان، تلاش امام محمد باقر^(ع) در حوزه اقتصادی برای تأمین زندگی خاندان بنی‌هاشم و همچنین رونق بخشیدن به زندگی شیعیان مدینه و آبادی این شهر، برجسته و متمایز است؛ به همین خاطر شهر مدینه که پس از شهادت امام حسین^(ع) و بارانشان، مشمول ستم‌های فراوانی قرار گرفته و از رونق افتاده بود، در دوران این امام همام، دوباره روی آبادانی به خود دید. در ادامه، سیره اقتصادی این امام بزرگوار را با هم مرور می‌کنیم.

تلاشی برابر با عبادت

ما او را به نام معلم و مدرس در خاندان اهل بیت^(ع) می‌شناسیم اما بنا به روایات، امام محمد باقر^(ع) با وجود داشتن خدمتکار و کپولت سن، هرگز از کار و تلاش دست نکشیدند. در اندیشه اقتصادی ایشان، تلاش و فعالیت اقتصادی برای حفظ عزت نفس و بی‌نیازی از مردم دیده می‌شود. افرادی بودند که این تلاش امام را مشغولیت به کار دنیا می‌دانستند و ایشان در پاسخ به یکی از این افراد به نام محمد بن منکدر فرمودند: «هرگاه مرگ به سراغم بیاید و من در حال کشاورزی باشم، در واقع مرگ در حالی مرا فرا گرفته است که در مسیر بندگی و عبادت الهی بوده‌ام. انگیزه من از کار و کوشش، این است که خود و خانواده‌ام را از تو و دیگران بی‌نیاز کنم...».

محمد بن منکدر بعد از شنیدن کلام حضرت، گفت: «راست گفتی؛ خدایت تو را رحمت کند! من می‌خواستم تو را پند و اندرز دهم، لیکن تومرامو عظه کردی...».

(فرازهای برجسته از سیره امامان شیعه^(ع)، ج. یک، ص. ۱۷۰ و ۱۷۱).

پاداشی برابر با ملاقات خدا

امام محمد باقر^(ع) فعالیت اقتصادی مرد برای خانواده را مبارک می‌دانستند و سیره عملی ایشان به خوبی نشان‌دهنده این امر بود. همان‌طور که اشاره شد، ایشان علاوه بر مسئولیت زندگی خاندان خود، به اقوام و آشنایان و فقرا و مردم مدینه و همچنین آبادانی این شهر توجه ویژه داشتند و تلاش اقتصادی برای توسعه زندگی را سفارش می‌کردند.

شیخ مفید در مورد این ویژگی امام چنین نقل می‌کند: «آن بزرگوار گذشته از برتری در علم و صرف‌نظر از سیادت و بزرگواری و امامت، جود و سخاوتش در میان شیعه و سنی زیانزد همگان بود، با اینکه نان‌خور آن جناب، بسیار و وضع زندگی و درآمدش متوسط بود...».

(الارشاد، ج. ۲، ص. ۱۶۴).

شاید علت این امر را در معنای این سخن امام دریابیم: «هرکه دنیا را به خاطر بی‌نیازی از مردم، توسعه زندگی خانواده و احسان و نیکی به همسایه‌اش طلب کند، روز قیامت در حالی‌که چهره‌اش همانند ماه‌شب چهاردهم می‌درخشد، خداوند متعال را دیدار می‌کند...».

(مراه‌العقول، ج. ۱۹، ص. ۲۳).

روشنا

رسول خدا^(ص)؛ رَضَى... مَعَ رَضَى الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطَ ... مَعَ سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ. (مشکاة الأنوار، ج. یک، ص. ۳۶۴).

قصص قرآنی

تاریخ تکرار می‌شود

سمانه رضوانی این ماجراها را قرآن تعریف می‌کند. از وسوسه‌های شیطان می‌گوید. از رحمت خدا می‌گوید. انداز می‌دهد، بشارت می‌دهد. از اهل ایمان و اهل کفر می‌گوید. همه را می‌گوید تا نشانه راه را گم نکنید. لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ إِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلِّسَّائِلِينَ (یوسف، ۷). باز هم شیطان و وسوسه حسادت... یعقوب^(ع) از تکرار قصه آدم^(ع) می‌ترسید؛ از اینکه هابیل و قابیل دیگری رقم بخورد؛ قصه حسادت و قتل برادر برای «چرامن یعنی کشتن

او... باز هم برادر رکشی؟ اگر یوسف نباشد، پس بی‌تردید محبت پدر به ما بیشتر می‌شود؛ أَفَعَلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ أَبِيكُمْ وَ تَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ (یوسف، ۹). یکی از آن‌ها شاید از کشتن او ترسید و پیشنهاد داد یوسف را در چاهی دور بیندازند؛ تا اگر به‌گذری رد شد، او را نجات بدهد و ببرد؛ قِيلَ قَاتِلْهُمْ فَتَمَسَّ لَأُتْفَقُ لَیُوسُفَ وَأَلْقَوْهُ فِي غُبَاتٍ الْجُبِّ يَلْقَاهُ لَنَعَصْفَ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ (یوسف، ۱۰). سراغ یعقوب رفتند. پدر از حسادت آن‌ها باخبر بود؛ دلش نمی‌خواست یوسف را به آن‌ها بسپارد و

پیشنهادشان را برای بردن برادر به صحرا رد کرد؛ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَى يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاصِحُونَ (یوسف، ۱۱). اما آن‌ها به پدر اطمینان دادند که او با ما به بیابان می‌آید و بازی می‌کند و ما چشم از او بر نمی‌داریم؛ أَرْسَلْهُ مَعَنَا غَدًا يَزْتَنُغَ وَيَلْعَبُ وَ إِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (یوسف، ۱۲). یعقوب دوری یوسف را نمی‌توانست تحمل کند؛ می‌ترسید آن‌ها غفلت کنند و او را گم ببرد. قَالَ إِنِّي لَخَزَنَتِي أَكْفَلُ مَا وَكَلْتُ وَإِنِّي لَآ كَالْأَكْفَلِينَ (یوسف، ۱۳). اما آن‌ها اصرار کردند و دید اگر بازهم نمی‌پذیرد، ممکن است حسادت آن‌ها را بیشتر کند. پس قبول کرد.

احکام

پرداخت خمس با تأخیر

است. واجب است هر زمانی که توانایی پرداخت بدهی بابت خمس داشتند، آن را بپردازند. این افراد می‌توانند با دست‌کردان مبالغ بدهی خود. با ولی امر خمس یا وکیل او. آن را به‌تدریج بر حسب استطاعت خودشان از جهت مقدار و زمان ادا کنند.

ندارد. صرف عدم توانایی یا دشواری پرداخت خمس، موجب فراغت ذمه و سقوط تکلیف نمی‌شود. بنابراین افرادی که خمس بر آن‌ها واجب است ولی تاکنون آن را نپرداخته‌اند و در حال حاضر هم توانایی پرداخت آن را ندارند یا بر آن‌ها دشوار

پرسش: محاسبه و پرداخت خمس با تأخیر چه شرایطی دارد؟

پاسخ آیت... **خامنه‌ای:** تأخیر تا چند روز به مقداری که عرفاً مصرف اموال جزو هزینه‌های همان سال خمس محسوب شود، اشکال

رسول خدا^(ص)؛ خشنودی خدا با خشنودی پدر و مادر و خشم او با خشم پدر و مادر است.

